

سرقت‌های سریالی به خاطر زیاده خواهی همسر!



چطور سرقت می‌کردی؟
روزها سوار بر خودروام در خیابان‌ها پرسه می‌زدم و با دیدن خودروهایی که باربند داشتند مثل رنو استپ‌وی؛ در اطراف آن توقف می‌کردم.
چند باری در اطرافش پرسه می‌زدم و در نهایت باربندهایش را خیلی خونسردانه باز کرده و داخل ماشینیم می‌انداختم. بعد در سایت‌ها به مبلغ ۶ میلیون تومان می‌فروختم.
از آنجایی که باربندها تقریباً نو بودند سریع به فروش می‌رفت و سود خوبی داشت.

زیاده‌خواهی‌های همسرم تمامی نداشت.
یک روز از من سرویس طلا مثل سرویس طلای دوستش می‌خواست و یک روز کفش مارک و... برایش مهم نبود من در چه شرایطی هستم اعتراض هم که می‌کردم می‌گفت می‌خواستی ازدواج نکنی.
خلاصه یک شب داشتیم از کنار خیابان رد می‌شدم که مردی را در حال بستن باربندهای خودرواش دیدم. او باربندها را با دست می‌بست و همین مسأله باعث جرقه‌ای در ذهنم شد؛ سرقت باربندها.

خانه پدرم یک کلمه حرف نامربوط نشنیده‌ام حالا او این حرف‌ها را می‌زند. اشتباه کردم دلم برایش سوخت، بهتر است پلیس ماجرا را بفهمد تا شخص دیگری قربانی نقشه‌های سرقت همسرم نشود.

دستگیری سارق باربندها

بسا اظهارات زن جوان، تحقیقات روی مرد جوان متمرکز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد مرد جوان خودرو لیفانی دارد که شماره پلاک او مشابه با شماره پلاک خودرو سارق است. از سوئی پس از هماهنگی‌های قضایی، مأموران راهی انباری خانه متهم شده و تعداد زیادی باربند کشف کردند. با مدارک و شواهد بدست آمده، وی بازداشت شد و به جرم خود اعتراف کرد.

گفت‌وگو با متهم:

شغل چیست؟

مهندس هستم.

چه شد که از یک مهندس به دزد تبدیل شدی؟

همه‌اش تقصیر همسرم است. او زندگی‌ام را نابود کرد. یک پراید داشتم و با حقوق کارمندی زندگی می‌کردم اما هر روز یک خواسته جدید داشت. در نهایت هم به من گفت در شأن من نیست که سوار پراید شوم و باید خودرو لاکچری و مدل بالایی داشته باشیم. من هم به خاطر اینکه زندگی‌ام حفظ شود، مجبور شدم ماشین پرایدم را بفروشم و پولش را به عنوان پیش‌پرداخت خودرو بهتری بدهم و مابقی را قسطی پرداخت کنم. اما نتوانستم اقساط را بدهم. و به فکر سرقت افتادی؟
وقتی چک‌هایم برگشت خورد، مستأصل شدم، از طرفی

را در نزدیکی محل سرقت پارک کرده و با پای پیاده به خودروهای مورد نظرش نزدیک شده و سرقت را اجرا کرده‌ام. با آنکه سارق جوان در نزدیکی محل‌های سرقت، از خودرواش استفاده نمی‌کرد با این حال شماره پلاک را مخدوش کرده بود و کارآگاهان به چند عدد از پلاک رسیدند اما نتوانستند خودرو سارق را پیدا کنند.

لو دادن همسر

در حالی که تحقیقات برای شناسایی سارق باربندها ادامه داشت، زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و مدعی شد: همسرم سارق است و می‌خواهم او را لو بدهم. مدتی است که وضع مالی‌اش خوب شده است و به او مشکوک شده بودم. تا اینکه چند شب قبل که همسرم با حالی نامساعد خوابید، شنیدم او در خواب هذیان می‌گوید؛ او می‌گفت: دلم نمی‌خواهد دزدی کنم. همه‌اش تقصیر تو است.

او ادامه داد: همسرم این جملات را زیر لب در خواب می‌گفت و من سعی کردم در آن حالت از او سؤالات بیشتری بپرسم. اما شوهرم، حال خوبی نداشت و جملاتش مبهم و نامرتبط به هم بود. او در همان حال اسم انباری را آورد.
همان موقع به انباری خانه رفتم و ناگهان تعداد زیادی باربند خودرو دیدم. می‌خواستم فردای آن روز موضوع را به پلیس خبر دهم اما دلم برایش سوخت. مدام با خودم می‌گفتم اگر بازداشت شوم، زندگی‌مان بهم می‌ریزد. تا اینکه دیروز دعوی‌امان شد و هر چه از دهانش درآمد به من گفت و مرا مقصر همه بدبختی‌هایش دانست. من که از حرف‌هایش خیلی عصبانی شده بودم با خودم گفتم در

گروه حوادث - مهندس جوانی که به خاطر تأمین خواسته‌های همسرش دست به سرقت می‌زد پس از دعوا و مراجعه با او لو رفت. چند روز قبل مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت باربند خودرو خود خبر داد. با گزارش این سرقت، مأموران راهی محل شده و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که سارق فقط دو باربند خودرو را به سرقت برده است.

محل پارک خودرو در مقابل دوربین مغازه‌ای بود و مأموران در بازبینی دوربین، چهره سارق را بدست آوردند. فیلم دوربین نشان می‌داد، مردی بدون ماسک چندین بار در اطراف خودرو پرسه زده و در نهایت به خودرو نزدیک شده و قسمت باربند را در چند لحظه باز کرده و با خود برده است. این در حالی بود که سرقت در روز روشن رخ داده بود و عابران بدون توجه به او و سرقتی که در حال انجام بود، از کنار سارق عبور می‌کردند.

اما این سرقت، تنها موردی نبود که به پلیس گزارش شد و کارآگاهان پلیس با شکایت‌های مشابه سرقت باربند خودروها مواجه شدند. بررسی دوربین‌های اطراف محل سرقت‌ها نیز نشان می‌داد که تمامی سرقت‌ها توسط مردی انجام شده که هیچ ماسک و کلاهی ندارد و در روز روشن رخ داده است. سارق پای پیاده به محل نزدیک می‌شد و پس از اجرای نقشه‌اش، پای پیاده محل را ترک می‌کرد.

سرنخی از سارق

مأموران با بازبینی دوربین‌های محل‌های سرقت و اطرافش پرداختند و در نهایت مشخص شد که مرد جوان، خودرو لیفان خود

ناگفته‌ها تلخ مادر در کلانتری مشهد؛

مرگ سیاه یک دزد شیطانی!

انجام می‌داد که دوست داشت.

در این شرایط به ناچار محیط زندگی خودمان را عوض کردیم و برای آن که او را از دوستان نابابش دور کنیم به مشهد مهاجرت کردیم و در حاشیه شهر ساکن شدیم تا شاید پسریم به درس و مدرسه فکر کند و دست از کارهای خلاف و درگیری بردارد اولی نه تنها مهاجرت مالتاری در رفتارهای او نداشت بلکه کارهای خلاف او شدت گرفت.

چند بار به روان‌شناس مراجعه کردیم. کارشناسان معتقد بودند که «کیومرث» شخصیت ضد اجتماعی دارد! خلاصه او تا کلاس هفتم بیشتر درس نخواند و با این بهانه که به درس علاقه‌ای ندارد، خیلی زود ترک تحصیل کرد و قلدر محله شد. همسرم وقتی دید کاری از دستش بر نمی‌آید به ناچار او را به تعمیرگاه یکی از دوستانش برد تا حداقل هنر صافکاری خودرو را بیاموزد و از راه حلال‌درآمدی داشته باشد؛ ولی پسریم در آن جاده دوستان ناباب را دور خودش جمع کرد و به بیراه افتاد.

مدتی بود فهمیدم که او به مصرف مشروبات الکلی و استعمال سیگار روی آورده است. حالا دیگر بیشتر نقاط پیکرش را خالکوبی کرده بود و با درآمدهای او که در صافکاری داشت یک دستگاه موتورسیکلت خرید و به همراه دوستانش گوشی قاپی می‌کرد. به همین خاطر التماس می‌کردم تا به خاطر اشک‌های مادرش دست از این کارها بردارد، ولی او دیگر در گرداب گناه و خلاف غرق شده بود.

چندین بار نیروهای انتظامی در پارک‌ها دستگیرش کردند اما پدرش هر بار خسارت‌های ناآشناگان را می‌پرداخت و آزاد می‌شد تا این که آخرین بار اوایل سال جاری به جرم گوشی قاپی دستگیر شد ولی

ناباب از تباط صمیمانه‌ای داشت تا این که به مواد مخدر آلوده شد و بعد هم به جرم گوشی قاپی به زندان افتاد ولی پس از آزادی از زندان دوباره به خلافکاری‌هایش ادامه داد تا این که آن حادثه تلخ اتفاق افتاد.

زن ۴۲ ساله‌ای که برای انجام امور قانونی و قضایی موتورسیکلت توقیف شده پسرش به مرکز انتظامی مراجعه کرده بود، درباره سرگذشت تلخ مالک موتورسیکلت به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی ششمالی مشهد گفت: «کیومرث» اولین فرزندم بود که جوانی و زندگی خودش را به خاطر رفیق بازی تباه کرد.

زمانی که او کودکی خردسال بود ما هم در کاشمر زندگی می‌کردیم و روزهای خوبی را می‌گذرانیدیم. شوهرم راننده اتوبوس بین شهری بود و بیشتر شب‌ها را در جاده‌های کشور به سر می‌برد. در این میان، من وظیفه تربیت و مراقبت از «کیومرث» و خواهر و برادر کوچک‌ترش را بر عهده داشتم. ولی او پسری بیش‌فعال و به قول معروف شر و شیطان بود به طوری که هیچ کس از دستش در امان نبود. مدام همبازی‌هایش را کتک می‌زد و قلدری می‌کرد.

وقتی به سن نوجوانی رسید، دیگر نمی‌توانستم او را کنترل کنم. همواره دعوای‌های انداخته و بافراد بزرگ‌تر از خودش دوست می‌شد تا جایی که سردسته باند «عواگران» شده بود و گروهی از دوستان نابابش را در مسیر خلاف همراهی می‌کرد. پدرش مجبور بود برای گرفتن رضایت از افرادی که به دست «کیومرث» زخمی می‌شدند، دپه و خسارت بپردازد. نصیحت‌ها و گریه‌های من هم هیچ فایده‌ای نداشت و او فقط کاری را

محاکمه یک مرد به خاطر تیرکمان بازی پسر خردسالش

آنها گفتند سامی‌ارادیده‌اند که سگتی را در تیرکمان گذاشته و به سمت بردیا پرتاب کرده است. با اظهارات شاهدان پدر سامی‌ار که قیم پسر خردسال بود بازداشت شد اما مدعی شد پسرش بی‌گناه است. **دادگاه** در جلسه دادگاه که در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد پدر سامی‌ار از خود دفاع کرد. پدر بردیا گفت: چشم پسریم در ۵ سالگی نابینا و آینده‌اش تباه شد. من حاضر به گذشت نیستم و پدر سامی‌ار باید تاوان این ماجرا را بپردازد.

وقتی پدر سامی‌ار رویه روی قضات ایستاد گفت: پسریم در ماجرای کور شدن چشم بردیا بی‌تقصیر است. پسریم می‌گوید تیرکمان در دستش بوده و با آن بازی می‌کرده اما سنگی به سمت بردیا پرتاب نکرده است. بردیا خودش زمین خورده و چشمش نابینا شده است. وی درباره اظهارات شاهدان گفت: آنها دروغ می‌گویند که دیده‌اند پسریم با سنگ به چشم بردیا زده. آنها با من دشمنی دارند و از سر این دشمنی به دروغ شهادت دادند که پسریم با سنگ به چشم بردیا زده است. من اظهارات آنها را قبول ندارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

گروه حوادث - پدر پسر خردسال که در بازی بچه گانه با تیر و کمان، چشم دوستش را کور کرده در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. یکسال قبل پسر ۵ ساله‌ای به نام بردیا به بیمارستانی در جنوب تهران منتقل شد. وی از ناحیه چشم راست به شدت آسیب دیده بود تحت درمان قرار گرفت اما پزشکان اعلام کردند چشم وی بر اثر اصابت سنگ به شدت آسیب دیده و باید تخلیه شود. با این اظهار نظر چشم راست بردیا ۵ ساله تخلیه شد.

شکایت از پسر ۸ ساله
پدر بردیا از پسر ۸ ساله به نام سامی‌ار که مدعی بود با تیر و کمان چشم پسرش را کور کرده شکایت کرد.

این مرد در تشریح شکایتش گفت: پسریم در کوچه بازی می‌کرد که یکبار صدای فریاد گوش‌شخراش او را شنیدم. وقتی مقابل در رفتم دیدم پسریم چشمش را گرفته و از صورتش خون جاری است. من بلافاصله او را به بیمارستان رساندم اما چشم او تخلیه شد. شاهدانی که در کوچه حاضر بودند گفتند پسریم در حال بازی با پسر ۸ ساله به نام بردیا بود که او سنگی را در تیرکمان گذاشت و به سمت صورت پسریم پرتاب کرد و موجب نابینایی چشم پسریم شد. من از سامی‌ار شکایت می‌کنم. با این شکایت مأموران به پرس و جو از شاهدان پرداختند.



مال‌یاخته رضایت نداد و او برای ۲ ماه به زندان افتاد. همه ما هم از این موضوع خوشحال بودیم چون در این مدت اعتیادش را نیز به اجبار ترک کرد.

بالاخره بعد از گذشت ۲ ماه آزاد شد و یکسره سراغ دوستانش در پارک رفت. آن شب وقتی سپیده دم به خانه بازگشت، چهره‌ای شاد و خندان داشت. احساس کردم باز هم نوعی مواد مخدر مصرف کرده است! خلاصه ششام را خورد و خوابید اما نزدیک ظهر هر چه صدایش زدم پاسخی نداد! وقتی بالای سرش رفتم دیدم پسریم نفس نمی‌کشد و ... بعد هم پزشک قانونی تشخیص داد که او به خاطر مصرف زیاد مواد مخدر دچار ایست قلبی شده است و به قول معروف اوردوز کرده بود. پس از این ماجرا اطباکاران زیادی به منزل‌مان آمدند و تازه فهمیدم که پسریم از خیلی‌ها پول گرفته و کلاهبرداری کرده است. حالا هم به کلانتری آمدم تا بتوانم موتورسیکلت توقیفی او را آزاد کنم که حداقل بخشی از به‌کارهای‌هایش را بپردازم.

اقدامات قانونی برای تحویل موتورسیکلت جوان ۲۱ ساله‌ای که قربانی مصرف سوء مواد مخدر شد، با صدور دستور از سوی سرهنگ قاسم همت آبادی، رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد آغاز شد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش

ساخت انواع منسوجات چوبی، کابینت، ترمو وود...شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

آگهی تصمیمات شرکت تجارت مبین پارس کیش (سهامی خاص)

ثبت شده به شماره ۱۳۵۸۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۵۲۲۴۴ به استناد صورتجلسات مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ و هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:
۱. آقای بهنام قلی پور به کدملی ۰۷۵۸۰۱۹۶۲۶۹ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و خانم ویدا سلیمی به کدملی ۰۰۸۳۴۳۱۱۷۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محسن پاکزاد با کدملی ۰۷۵۹۶۹۵۴۹۰ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند
۲. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، بروات و عقود اسلامی و سایر اوراق عادی و اداری با اعضای رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
شیمافرج زاده-سرپرست اداره ثبت شرکتها و مالکتهای صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش

خدمات

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

درب های اتوماتیک

دارکوب

۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت

۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

جاسم کریمی

فوری - مطمئن

لوازم یدکی

تهیه لوازم یدکی خودرو

شما در سریعترین زمان

۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸

جعفری

تهیه قطعات اصلی یدکی خودروهای سبک و سنگین

تحویل حداکثر ۴۸ ساعت

۰۹۳۷۵۶۳۲۷۰۲

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۲۳۹۹۹

استخدام

استخدام نیروی خدماتی خانم

یک شرکت برای تکمیل نیروهای موردنیاز خود، نیروی خدماتی استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۳۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.

تأسیسات منزل

تعمیرات و تأسیسات

منزل - لوازم آشپزخانه

آب - برق

۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

حمل و جابجایی کالا

با ۶ چرخ در سطح جزیره

۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲